

رفق و مدارای تربیتی در سیره معصومین (ع)

محمد داودی
عضو پژوهشکده حوزه و دانشگاه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اشاره

مقاله ای که پیش رو دارید، پس از تعریف مفهوم رفق و مدارا، جایگاه، موارد، محدوده و آثار تربیتی آن را در کلام و سیره معصومین (ع) بیان می کند و سپس رفق و مدارا با دیگران را در مواردی از قبیل رفق و مدارا در تبیین مسائل دینی، تربیت عبادی کودکان، و موعظه را مورد بررسی قرار می دهد.

مقدمه

در سیره تربیتی پیشوایان دینی (ع) رفق و مدارا با تربیت آموزان از جایگاه والایی برخوردار است. پیامبر گرامی اسلام (ص) در موارد متعددی به این موضوع اشاره کرده که وی از جانب خداوند موظف و مامور است با مردم به رفق و مدارا رفتار کند. نظر به اهمیت این موضوع در تربیت اسلامی، سعی بر این بوده تا در این نوشتار ابعاد و جوانب آن بررسی شود. بدین منظور، معنا و تعریف رفق و مدارا، جایگاه، موارد، محدوده و آثار تربیتی آن مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.



معنا و تعریف رفق و مدارا

«رفق» چنانکه در کتب لغت آمده در چهار معنا به کار می‌رود:

۱. کاری را خوب انجام دادن در مقابل بد انجام دادن کار
۲. نرم خوئی در مقابل تند خوئی و شدت عمل
۳. میانه روی و اعتدال در انجام کار
۴. محکم کاری و دقت در انجام کار [طریحی، مجمع البحرین،

ذیل ماده رفق].

«مدارا» نیز در لغت به معنای ملاحظت و نرمی و ملایمت و احتیاط کردن آمده است [طریحی، مجمع البحرین، ذیل ماده دری].

با توجه به معنای لغوی رفق می‌توان گفت که این واژه در زبان عربی بدین معنا است که فرد کاری را به زیبایی و نرمی و با استحکام لازم انجام دهد. در مقابل آن فردی است که کاری را با شدت و خشونت و زشتی انجام می‌دهد. مؤید این امر این است که این واژه در مقابل «حَرَق» به کار می‌رود که به معنای انجام کار با شدت و خشونت و زشتی است. مدارا نیز با توجه به معنای لغوی آن عبارت از نرمی و ملایمت در رفتار با دیگران است، که گاه برای در امان ماندن از شر مردم و گاه برای بهره‌مندی از آنان است. اینکه در کتب لغت آن را به احتیاط نیز تعریف کرده‌اند، بیانگر همین مطلب است. با وجود اینکه این دو واژه از نظر معنا بسیار به یکدیگر نزدیک هستند، موارد کاربرد آنها در زبان عربی تفاوت دارد. رفق عمدتاً در مورد موافقان و دوستان و حداکثر در مورد غیر مخالفان به کار می‌رود. در حالی که مدارای احتیاطی بیشتر در مورد مخالفان و دشمنان به کار می‌رود. استعمالات متعدد این دو واژه در روایات نیز مؤید این مطلب است. به عنوان مثال در روایتی آمده است: «لَاتَحْمَلُوا عَلٰی شِيعْتِنَا وَ اَرْقُوا بِهَم» (بر شیعیان ما چیزی تحمیل نکنند و با آنها با رفق برخورد نمایند) [کلینی، کافی، ج ۸، ۳۳۴]. در روایت دیگری آمده است: «و اما المَخَالَفُونَ فَيَكْلِمُهُم بِالْمَدَارَةِ...» (با مخالفان به روش مدارا برخورد نمایند) [محمدی ری شهری، میزان الحکمة، ج ۳، ۲۳۹].



در این دو روایت در مورد شیعیان واژه رفق و در مورد مخالفان واژه مدارا به کار رفته است. البته، گاه این دو واژه در معنایی وسیع به کار می‌روند که هم شامل معنای رفق است و هم شامل معنای مدارا. به عنوان مثال در روایت «انا امرنا معاشر الانبياء بمداراة الناس كما امرنا باداء الفرائض» (ما گروه پیامبران مأمور به مدارای با مردم هستیم همانطور که مأمور به انجام واجبات هستیم) [محمدی ری شهری، میزان الحکمة، ج ۴، ۲۳۹] و روایت «ان الله عزوجل بعث محمداً فامرته بالصبر و الرفق» (بدرستی که خداوند عزوجل محمد(ص) را برانگیخت و او را به صبر و رفق امر نمود) [محمدی ری شهری، میزان الحکمة، ج ۴، ۲۳۸]. رفق و مدارا در معنایی وسیع و مترادف با یکدیگر به کار رفته است. اما این معنای عام کمتر استعمال شده است و در غالب موارد رفق و مدارا در همان معنایی که قبلاً گفتیم به کار می‌رود.

در زبان فارسی نیز این دو واژه - بویژه هرگاه با هم به کار روند - معنایی مترادف با یکدیگر را می‌رسانند.

به هر حال، این دو واژه، بر اساس آنچه در زبان عربی و فارسی از آن اراده می‌شود، در زمینه تعلیم و تربیت بدین معنا به کار می‌رود که مربی با متربی به گونه‌ای رفتار کند که به زیبایی و آسانی، آنان را به سوی اهداف تربیتی مورد نظر هدایت کند. اگر مربی چنین عمل کند گفته می‌شود که با تربیت‌آموزان خود به رفق و مدارا رفتار کرده است. در روایتی پیامبر(ص) خطاب به حضرت علی(ع) می‌فرماید: «یا علی ان هذا الدین متین. فأوغل فیہ برفق و لاتبغض الی نفسک عبادة ربک [ف] ان المنبت لاطهرأ ابقی و لأرضاً قطع» (یا علی! این دین، دین استوار و محکمی است. از این رو، با رفق و نرمی در آن سیر کن و عبادت خداوند را برای خودت ناخوشایند مکن، که زیاده رو و افراط کار نه مرکب خود را سالم باقی می‌گذارد و نه راه را طی می‌کند) [کلینی، کافی، ج ۲، ۸۷]. این روایت به روشنی بیان می‌کند که عدم رفق در جایی که رفق و مدارا لازم است، علاوه بر آنکه موجب شکست فرد در رسیدن به اهداف خود می‌شود، وسیله و ابزار وی برای رسیدن به هدف را نیز از میان می‌برد.

جایگاه رفق و مدارا در سیره معصومین(ع)

نمونه‌های متعددی از سیره معصومین(ع) در دست است که



مسجد خاتم الاوصیاء(عج)، تهران



مسجد جعفری، قیطریه، تهران

خداوند در قرآن می فرماید: «ما هیچ رسولی را جز به زبان قوم خود نفرستادیم تا برای آنان [حقایق را] تبیین کند» [ابراهیم / ۴].

پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز می فرماید: «به ما پیامبران دستور داده شده است که با مردم به اندازه عقل و فهمشان سخن بگوییم» [مجلسی، بحارالانوار، ج ۱، ۸۵].

از امام صادق (ع) نیز نقل شده است که «رسول خدا (ص) هیچ گاه با مردم به [حسب] کنه و باطن عقل خویش سخن نگفت» [طباطبائی، سنن النبی، ۵۷].

همچنین نقل شده است که در جنگ تبوک مردم دچار تشنگی شدند. به پیامبر (ص) گفتند: یا رسول الله! کاش دعا می کردی تا خدا ما را سیراب کند. آن حضرت دعا کرد و آب در بیابان جاری شد. قومی از اعراب بادیه نشین گفتند: ستاره ذراع و ستاره فلان بر ما باران نازل کرد.

پیامبر (ص) رو به اصحاب کرده فرمود: می بینید؟

خالد گفت: ای رسول خدا! گردنشان را بزنم؟

پیامبر (ص) رو به اصحاب کرده فرمود: نه؛ اینان چنین می گویند، اما می دانند که خدا باران را نازل کرده است [نوری، مستدرک الوسائل، ج ۶، ۱۹۶].

بنابراین مربی در مقام تربیت، نخستین کاری که باید به انجام آن همت گمارد، این است که با تربیت آموزان خود چنان سخن گوید که به آسانی مراد او را دریابند و این مستلزم آن است که مربی سخن خود را از درجه و مقام درک و فهم خود تا سطح درک و فهم تربیت آموزانش تنزل دهد.

به علاوه، گاه مدارا و رفق با متریان اقتضا می کند که مطالب خاصی با آنان در میان گذاشته شود و از ارائه مطالبی که فراتر از میزان درک و فهم آنان است خودداری شود. چنانکه در سیره معصومین (ع) ملاحظه می شود که گاه بعضی از مطالب را با افرادی خاص مطرح می کردند. به عنوان مثال، علامه مجلسی نقل می کند که جابر بن یزید جعفی می گوید: «امام باقر (ع) نود هزار حدیث برای من بیان کرد که هرگز آنها را برای کسی بیان نکرده ام و هیچ گاه نیز بیان نخواهم کرد».

وی می گوید: «به امام باقر (ع) عرض کردم: فدایت گردم، بار سنگینی بر من نهاده ای؛ چرا که از اسرار تان احادیثی برایم بیان کرده ای که نباید به کسی بیان کنم. بدین سبب، گاه سینه ام به

بیانگر رفق و مدارای آنان با متریان است که به اختصار به چند نمونه اشاره می کنیم:

۱. یکی از افرادی که در مدینه با پیامبر (ص) و مسلمانان مخالف بود و از هر فرصتی برای کارشکنی در امور مسلمانان - البته به صورت مخفیانه - خودداری نمی کرد، عبدالله ابن ابی بود.

این فرد رئیس قبیله خزرج و رهبر منافقان در مدینه بود، با وجود این، زمانی که از دنیا رفت، اطرافیان او از پیامبر (ص) خواستند که پیراهن خود را در اختیار آنان قرار دهد تا عبدالله ابن ابی را با آن کفن کنند، تا شاید بدان سبب مورد رحمت خدا قرار گیرد.

پیامبر (ص) خواسته آنان را اجابت کرد. برخی از اصحاب به وی اعتراض کردند که چرا با آنکه وی کافر است چنین کردی. آن حضرت فرمود: «پیراهن من مانع عذاب او در آخرت نیست. و من با این کار امید دارم جمع کثیری اسلام بیاورند». گفته شده که هزار نفر از خزرج زمانی که دیدند عبدالله بن ابی به لباس پیامبر (ص) متوسل شده اسلام آوردند [حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ۲۵۰].

۲. روزی بیرون از مدینه مردی امام زین العابدین (ع) را دید و به او ناسزا گفت. یاران امام به او حمله کردند. امام فرمود: دست بردارید. سپس رو به آن مرد کرد و گفت: آنچه از کارهای ما بر تو پوشیده است بیش از آن است که تو می دانی. آیا نیازی داری تا آن را برآورده سازم؟ مرد شرمند شد. امام لباس خویش را به او بخشید و دستور داد هزار درهم به او بدهند. مرد پس از آن واقعه، همیشه می گفت شهادت می دهم که تو از فرزندان رسول خدایی [اربلی، کشف الغمّة، ج ۲، ۲۹۳].

موارد رفق و مدارا در سیره تربیتی معصومین (ع)

موارد مدارا و رفق در سیره معصومین (ع) را می توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: رفق و مدارا با دیگران و رفق و مدارا با خود.

الف) رفق و مدارا با دیگران

۱. رفق و مدارا در تبیین مسائل دینی

پیشوایان دینی (ع) هنگامی که می خواستند احکام و شرایع را به مردم آموزش دهند، به اندازه فهمشان با آنان سخن می گفتند و مسائل دینی را به گونه ای که آنان به آسانی دریابند بیان می کردند.



مسجد جعفری، قیطریه، تهران



مسجد جامع رجائی شهر، تهران

در سیره تربیتی پیشوایان دینی(ع) به اختلاف سنی افراد توجه خاصی شده است. آنان بین بزرگسالان و کودکان تفاوت بسیاری قائل شده‌اند و از هر یک متناسب با سنشان انتظار داشته‌اند. امام زین العابدین(ع) به کودکان دستور می‌داد نماز مغرب و عشاء را با هم و نماز ظهر و عصر را نیز با هم بخوانند. به ایشان می‌گفتند: نماز را در وقت نمی‌خوانند. آن حضرت می‌فرمود: «بهتر از این است که بخوابند و نماز نخوانند» [نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ۱۹].

باید توجه داشت که در زمان معصومین(ع) نمازها در پنج وقت: صبح، ظهر، عصر، مغرب و شام خوانده می‌شد و نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشاء را نه در یک وقت، بلکه جدا جدا می‌خواندند. اما امام(ع) به کودکان که هنوز به سن تکلیف نرسیده بودند ولی نماز می‌خواندند، اجازه می‌دادند که نمازهای ظهر و عصر و نمازهای مغرب و عشاء را با هم بخوانند تا نماز خواندن بر آنها مشکل و غیر قابل تحمل نشود.

این امر در واقع نوعی رفق و مدارا با این قبیل افراد است. همچنین در روایت دیگری آمده است که امام صادق(ع) فرمود: «ما کودکانمان را در هفت سالگی به روزه گرفتن، به اندازه‌ای که توان آن را دارند - تا نصف روز یا بیشتر و کمتر - دستور می‌دهیم. هرگاه تشنگی یا گرسنگی بر آنها غلبه کرد افطار می‌کنند تا به روزه عادت کنند. شما کودکانتان را در نه سالگی به روزه گرفتن - به هر اندازه که می‌توانند - امر کنید. هرگاه تشنگی بر آنها غلبه کرد، افطار کنند [طباطبایی، سنن النبی، ۱۵۷].»

در این روایت نیز امام(ع) در آموزش روزه گرفتن به کودکان به رفق و مدارا با آنها رفتار می‌کند و به دیگران نیز دستور می‌دهد چنان عمل کنند. در مقابل، معصومین(ع) از افراد مسن تر انتظارات بیشتری دارند. از کسی که عمری را در اسلام گذرانده است، انتظار دارد اعمال خود را با رعایت تمام با بیشتر مستحبات انجام دهد. به عنوان مثال، می‌توان به قضیه اتفاق افتاده میان امام صادق(ع) و حماد که یکی از اصحاب ایشان است اشاره کرد: حماد بن عیسی می‌گوید: روزی امام صادق(ع) به من فرمود: «حماد! می‌توانی نیکو نماز بگزاری؟»

گفتم: آقای من، من کتاب «صلاة» حریر را حفظ هستم.

فرمود: «اشکالی ندارد؛ برخیز و نماز بگزار.»

من برخاستم و در برابر ایشان رو به قبله ایستادم. تکبیرة الاحرام

جوشش درمی‌آید تا جایی که حالتی شبیه جنون به من دست می‌دهد.

امام(ع) فرمود: در این حالت به کوههای اطراف برو، حفره‌ای بکن، سرت را در آن فرو کن و بگو محمد بن علی به من چنین و چنان گفت [مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ۶۹].

۲. رفق و مدارا در برگزار کردن نمازهای جمعه و جماعت

پیامبر(ص) نمازهای جماعت را به اختصار می‌خواند و دیگران را نیز به همین توصیه می‌فرمود. انس بن مالک می‌گوید: «پیامبر(ص) نماز [جماعت] را به اختصار و کامل برگزار می‌کرد» [بخاری، صحیح بخاری، ج ۱، ۱۷۳]. همچنین در روایت دیگری از آن حضرت(ص) نقل شده است که فرمود: «من هنگامی که می‌خواهم نماز را به پا دارم، قصد می‌کنم نماز را طولانی کنم. اما صدای کودکی را می‌شنوم بدین سبب، نماز را سریع می‌خوانم تا مادر



کودک دچار مشقت نشود» [بخاری، صحیح بخاری، ج ۱، ۱۷۳].

در روایت دیگری نیز آمده است: «مردی به پیامبر(ص) گفت: ای رسول خدا! از بس فلانی نماز را طول می‌دهد به سختی نماز را می‌خوانم.

پیامبر(ص) آن روز را با حالتی بسیار عصبانی در موعظه‌ای فرمود: ای مردم! شما دیگر مردمان را فراری می‌دهید. هر کس با مردم نماز می‌خواند باید نماز را مختصر برگزار کند که در میان آنان مریض و ناتوان و کسی هست که به دنبال کاری است» [بخاری، صحیح بخاری، ج ۱، ۳۱].

پیامبر(ص) علاوه بر نمازهای جماعت، نمازهای جمعه و خطبه‌های آن را نیز به اختصار برگزار می‌کرد. مراجعه به خطبه‌های جمعه‌ای که از ایشان نقل شده است مؤید این مدعا است [مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۷، ۴۵ - ۱۱۰].

۳. رفق و مدارا در تربیت عبادی کودکان

گفتم. رکوع و سجود بجا آوردم.

امام به من فرمود: «حماد، نمی توانی نیکو نماز بگزاری. چه زشت است که کسی از شما شصت یا هفتاد ساله باشد، اما نتواند یک نماز با رعایت تمام حدود آن بجا آورد»

حماد در ادامه می گوید: به امام(ع) عرض کردم: نماز را به من بیاموز. ایشان برخاستند و یک نماز با رعایت تمام حدود آن اقامه کردند و در پایان فرمود: «حماد! چنین نماز بگزار» [کلینی، الکافی، ج ۳، ۳۱۱].

از نحوه نمازخواندن امام(ع) پیداست که منظور ایشان از اینکه حماد نمی تواند نیکو نماز بگزارد این نبوده که نماز حماد نادرست بوده است، بلکه مراد آن حضرت این بوده که وی نماز را با رعایت آداب و مستحبات آن نمی خواند. بدین ترتیب امام(ع) این انتظار را از حماد - که عمرش را در اسلام گذرانده است - دارد که بتواند نماز را با رعایت تمام حدود و آداب آن بخواند.

۴. رفق و مدارا در مواجهه با افرادی که از نظر ایمان درجات متفاوتی دارند

موضوع تفاوت افراد در درجات ایمان نیز یکی از اموری است که در سیره تربیتی معصومین(ع) مورد توجه است. آنان در رعایت تفاوت مذکور به دو جهت توجه داشتند: اولاً، آنان چنان نبودند که کسی را به دلیل پایین بودن درجه ایمان در انزوا قرار بدهند و با او مصاحبت و مجالست نکنند. ثانیاً، آنان از هر کس متناسب با درجه ایمانش توقعاتی داشتند و بیش از آن بر او تحمیل نمی کردند. اینکه معصومین(ع) با اکثر شیعیان و سایر مسلمانان - جز عده ای خاص - معاشرت داشتند مؤید این مطلب است. در این خصوص می توان به سؤال و جوابی که بین امام صادق(ع) و یکی از شیعیانش واقع شده است اشاره کرد: یکی از شیعیان می گوید در حضور امام صادق(ع) سخن درباره عده ای مطرح شد. من به امام(ع) عرض کردم: ما از آنان بیزار می جوئیم، زیرا آنان به آنچه ما قائلیم قائل نیستند.

امام(ع) فرمود: «دوستدار ما هستید و به آنچه شما قائلید قائل نیستند و شما از آنان تبری می جوئید؟!»
گفتم: آری.

امام(ع) فرمود: «اگر چنین است، ما هم از مزایایی برخورداریم که شما از آنها بی بهره اید، پس ما هم باید از شما بیزاری بجوئیم. . . ؟ با آنها دوستی کنید و از آنها بیزاری نجوئید. زیرا بعضی از مسلمانان از اسلام یک سهم و بعضی دو سهم و . . بعضی هفت سهم دارند. سزاوار نیست بر دوش آنکه از اسلام یک سهم دارد به اندازه آنکه دو سهم دارد بار بگذاریم و همینطور بر آنکه از اسلام دو سهم دارد به اندازه آنکه سه سهم دارد و . . برای تو مثالی می آورم. مردی همسایه ای نصرانی داشت. او را به اسلام فراخواند و اسلام را در نظر او زیبا جلوه داد و نصرانی مسلمان شد. نزدیک سحر در خانه او را زد. نصرانی گفت: کیست؟ همسایه مسلمانش گفت: من هستم، فلانی! وضو بگیر و لباسهایت را بپوش تا به نماز برویم. نصرانی تازه مسلمان شده چنین کرد و به مسجد رفتند و نماز خواندند تا فجر دمید. سپس نماز صبح را خواندند و ماندند تا آفتاب برآمد. نصرانی تازه مسلمان شده

برخاست تا به منزل خویش برود. مرد مسلمان به او گفت: کجا می روی؟ روز کوتاه است و تا ظهر چیزی نمانده است. به همین ترتیب او را تا ظهر و سپس تا عصر و مغرب و نماز عشا در مسجد نگاه داشت و سپس به اتفاق، به منزلهایشان بازگشتند. مرد مسلمان دوباره نزدیک سحر، در خانه تازه مسلمان را زد. تازه مسلمان گفت: کیست؟ گفت: منم. برخیز، وضو بگیر و لباس بپوش تا به مسجد برویم. گفت: برو کسی بیکارتر از من بجوی. من فقیرم و عیالوار. [امام(ع) در ادامه می فرماید] بر آنان سخت نگیرید. مگر نمی دانید. . . که امامت ما بر رفق و انس و وقار و . . است. مردم را به دینتان و آنچه بر آن هستید ترغیب کنید» [اعمالی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ۴۲۷].

۵. رفق و مدارا در موعظه

پیشوایان بزرگ اسلام جهت رعایت حال مخاطبان، مواظب خود را معمولاً کوتاه ایراد می کردند تا آنان خسته و دلزده نشوند. یکی از اصحاب رسول خدا(ص) نقل می کند: «پیامبر(ص) موعظه های خود را در روزهای مختلف، و نه هر روز، انجام می داد. زیرا دوست نداشت ما خسته و دلزده شویم» [بخاری، صحیح لبخاری، ج ۱، ۲۵].

ب) رفق و مدارا با خود

درباره رفق و مدارای تربیتی با خود نیز سیره هایی وجود دارد که نشان می دهد که رعایت آن برای افراد لازم است. یکی از اصحاب رسول خدا(ص) می گوید: پیامبر(ص) به من فرمود: «آیا خبر ندهم تو را که شبها نماز می خوانی و روزها روزه می گیری؟» گفتم: من چنین می کنم. فرمود: «اگر چنین کنی، چشمهایت گود می افتد و روح خسته می شود، در حالی که روح بر تو حقی دارد و خانواده ات نیز بر تو حقی دارند. گاهی روزه بگیر و گاهی افطار کن، در شب گاهی نماز بخوان و گاهی بخواب» [بخاری، صحیح بخاری، ج ۲، ۴۹]. همان طور که گذشت، در اصول کافی نیز نقل شده است که پیامبر(ص) به حضرت علی(ع) فرمود: «یا علی! این دین، استوار و محکمی است. از این رو، با رفق و نرمی در آن سیر کن و عبادت خداوند را برای خودت ناخوشایند مکن که زیاده رو و افراط کار نه مرکب خود را سالم



مسجد النبی(ص)، تهران

توان جسمی نیز یکی از مؤلفه‌هایی است که معصومین(ع) در رفتارهای تربیتی خود آن را در نظر می‌گرفتند که بحث آن در مبحث «رفق و مدارا در تربیت عبادی کودکان» گذشت.

ج) درجه ایمان

درجه ایمان نیز یکی دیگر از مؤلفه‌ها در رفتار معصومین(ع) با افراد است که بحث آن نیز گذشت.

با وجود این ملایمتها که در سیره پیشوایان دینی وجود دارد مواردی نیز به چشم می‌خورد که آنان نه تنها مدارا نمی‌کردند، بلکه شدت عمل نیز نشان می‌دادند. در این موارد یا مصالح اجتماعی و سیاسی اقتضای چنین رفتاری را داشته، یا از مواردی بوده که نرمی و ملایمت کارایی نداشته است. به عنوان مثال، در روایتی وارد شده است که «اذا كان الرفق خرقاً كان الخرق رفقاً» (هرگاه نرمی به منزله شدت عمل شد، شدت عمل به منزله رفق خواهد بود) [محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۴، ۱۶۱].

رفق و مدارا و احکام دینی

موضوع محدوده رفق و مدارا از زاویه‌ای دیگر نیز قابل طرح است و آن اینکه احکام و آموزه‌های دینی به پنج دسته واجب،



مسجد جامع رجائی شهر، تهران

حرام، مستحب، مکروه و مباح، تقسیم می‌شوند. آیا رفق و مدارا در همه این موارد یا در بعضی از این موارد جاری است؟ می‌توان گفت سیره تربیتی معصومین(ص) نشان می‌دهد که در محدوده مستحبات، مکروهات و مباحات، رفق و مدارا رعایت می‌شده است. سهل‌گیری در نماز کودکان، و در نماز جماعت و مانند آن نشان می‌دهد که رعایت مستحبات در این اعمال لازم نیست. اما، در مورد واجبات و محرمات نمی‌توان جواب قطعی به دست داد و در موارد به کارگیری رفق و مدارا نیز باید با توجه به مؤلفه‌هایی که در بالا به آنها اشاره کردیم تصمیم گرفت.

آثار تربیتی رفق و مدارا

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که رفق و مدارا در تربیت دینی چه تأثیری دارد؟ البته، با توجه به سیره‌هایی که بیان آن گذشت و نیز با توجه به دلایلی که در آنها لزوم رعایت رفق و

باقی می‌گذارد و نه راه را طی می‌کند» [کلینی، الکافی، ۸۷].

محدوده رفق و مدارای تربیتی

در اینجا لازم است به این سؤال نیز بپردازیم که آیا در سیره تربیتی معصومین(ع) محدوده‌ای برای رفق و مدارای تربیتی معین شده است یا نه؟ در صورت مثبت بودن جواب، در چه مواردی می‌توان از رفق و مدارا استفاده کرد و در چه مواردی نمی‌توان؟ البته، در مورد این پرسش نمی‌توان جواب قاطعی ارائه کرد، در عین حال با توجه به سیره معصومین(ع) می‌توان به مؤلفه‌هایی که ما را در دست یابی به پاسخ کمک می‌کند، اشاره کرد. برخی از این مؤلفه‌ها عبارتند از:

الف) جهل و علم

معصومین(ع) در مواردی که با فردی جاهل یا ناآگاه به احکام و آموزه‌های دینی مواجه می‌شدند، با او به رفق و مدارا برخورد می‌کردند و اجازه نمی‌دادند دیگران نیز با آنان به شدت و خشونت رفتار کنند. به عنوان مثال، یکی از اصحاب پیامبر(ص) نقل می‌کند: «در حالی که ما با پیامبر(ص) در مسجد بودیم، اعرابی ای آمد و در مسجد مشغول ادرار شد اصحاب پیامبر(ص) او را از این کار منع کردند. پیامبر(ص) رو به اصحاب کرد و فرمود: با او کاری نداشته باشید. آنان نیز او را رها کردند. آنگاه پیامبر(ص) او را نزد خود خواند و فرمود: مساجد نه محل ادرار است و نه محل کثافات دیگر؛ بلکه جایگاه ذکر خداوند متعال و نماز و قرائت قرآن است» [مسلم، صحیح مسلم، ج ۱، ۱۶۳].

با توجه به اینکه در ذیل این سیره آمده است که پیامبر(ص) اعرابی را توجیه کرد و ادب مسجد را به او آموخت، می‌توان گفت سبب مدارای ایشان جهل و ناآگاهی اعرابی بوده است.

ب) توان جسمی



مسجد ابوذری، تهران



۱. در سیره معصومین (ع) رفق و مدارا جایگاه والایی دارد
۲. رفق و مدارا هم در مواجهه با دیگران و هم در مواجهه با خود باید رعایت گردد
۳. در مورد گستره و محدوده اعمال رفق و مدارا باید به موضوعاتی مانند علم و جهل، توان جسمی، توان عقلی و ذهنی، و درجات ایمان مخاطبان توجه داشت. به علاوه، باید به نوع حکم شرعی و این که مستحب، مکروه یا مباح است نیز توجه کرد
۴. رعایت رفق و مدارا موجب می شود اولاً: یادگیری پایدار و عمیق صورت گیرد، ثانیاً؛ تأثیرپذیری تربیت آموز از مربی افزایش یابد.

منابع:

۱. قرآن کریم
۱. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الائمة، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۵ ه. ق
۲. بخاری الجعفی، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، تحقیق قاسم شجاعی، بیروت، دارالقلم، ۱۴۰۷ ه. ق
۳. حویزی، عبدالعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، تعلیق هاشم رسولی محلاتی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۷۰
۴. طباطبائی، محمد حسین (سنن النبی)، ترجمه و تحقیق محمد هادی فقی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۷۵
۵. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۸ ه. ق
۶. عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعة الی تحصیل المسائل الشریعة، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۴۰۳ ه. ق
۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق محمد جواد الفقیه، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۳ ه. ق
۸. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲ - ۱۳۶۳
۹. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ه. ق
۱۰. مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، تحقیق موسی شاهین لاشین و احمد عمر هاشم، بیروت، عزالدین، ۱۴۰۷ ه. ق
۱۱. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تحقیق مؤسسه آل البیت، بیروت، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۸ ه. ق
- ★ محمد داودی، «رفق و مدارای تربیتی در سیره معصومین»، فصلنامه حوزه و دانشگاه، سال هفتم، ش ۲۸، ۱۳۸۰

مدارا در رفتارهای تربیتی اشاره شده است، جواب این سؤال تا حد زیادی روشن است. بدین سبب، ما در این جا تنها به دو نکته که در سیره و روایات معصومین (ص) بر آن تأکید شده است، اشاره می کنیم.

نخستین موضوعی که در این باب در سیره ها مطرح شده است، این است که رفق و مدارا با متریان سبب جذب آنان به مربی و شخصیت، منش، آرا و عقاید او می گردد. در رفتار امام زین العابدین (ع) با مردی که به وی دشنام داد، دیدیم که بعد از مواجه شدن با رفق و مدارای امام (ع) شرمند شد و جذب امام (ع) و شخصیت او گردید. چنانکه رفتار از سر رفق امام حسن (ع) نیز با مرد شامی موجب جذب مرد شامی به امام (ع) گردید. در روایتی از امام صادق (ع)، که قبلاً قسمتی از آن را نقل کردیم، نیز ایشان علت مدارا با مردم و به ویژه مخالفان را جذب آنان به سوی دین می داند: «و اما المخالفون فیکلمهم بالمداراة لاجتذابهم الی الایمان» (اما با مخالفان به روش مدارا صحبت می کند برای اینکه آنان را به سوی ایمان جذب کند) [محمدی ری شهری، میزان الحکمة، ج ۳، ۲۳۹].

دومین موضوعی که در سیره ها مطرح است این است که رفق و مدارا با تربیت آموزان سبب می شود آنان آموزه ها و مفاهیم دینی را به بهترین وجه درک و جذب و درونی کنند و به تدریج به مدارج بالای ایمان و کمال برسند؛ بدون آنکه از اعمال دینی خسته یا دلزده گردند. در روایتی که در بالا نقل کردیم آمده است: «عبادت خداوند را برای خودت ناخوشایند مکن» [کلینی، کافی، ج ۲، ۸۷]. این روایت در واقع بیان کننده این معنا است که عدم رعایت رفق و مدارا در مقام تربیت، حتی اگر در مورد خود فرد باشد، موجب می شود وی از عبادت و سایر اعمال دینی خسته و در نتیجه متنفر گردد و بدین سبب از طی مسیر کمال باز بماند. داستانی که امام صادق (ع) برای اصحاب بیان کرد (داستان مرد مسلمان و همسایه مسیحی وی که به دست او اسلام آورد و سپس به سبب سخت گیریهای او از دین اسلام برگشت) نیز بیان کننده همین مطلب است.

نتیجه گیری

از آنچه گفته شد به دست می آید که:



مسجد جامع نارمک، تهران